

«هوالحکیم»

عنوان:

برگشت حرام زادگی به عوالم قبل از دنیا



دکتر باقر پورکاشانی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْيَاسِرِ اَيُّهَا صَاحِبُ الزَّمَانِ



『@SERATEHAGHI』

قبل از این عالم، ما عوالمی داشتیم؛ مثلاً عالم ارواح. تمام روح‌ها در عالم ارواح هستن، در عالم دیگه‌ای هستن. وقتی این جنینی که در شکم مادر هست به چهار ماه می‌رسه، خداوند به ملکی از ملائکه‌ای که مأمور این امر هست، دستور می‌ده که این روح رو بدمه در درون این جنین، در چهار ماهگی؛ قبلش نه! یعنی قبلش روح انسانی نداشته؛ روح انسانی از چهارماهگی هست. لذا می‌گن وقتی که سقط جنین می‌شه یا فرض کنید يك بچه‌ای که چهار ماهش هست در شکم مادر تصادفی می‌شه و این بچه از بین می‌ره، دیه‌ی کامل يك انسان تعلق می‌گیره، به خاطر این که روح، جنین، کامل هست.

خداوند متعال امر می‌کنه که هر روحی در چه بدنی قرار بگیره، هر روحی در چه زمانی در چه بدنی که پدر و مادرش کی هستن قرار بگیره؛ این دست خداوند هست.

حالا فرض بکنید که این روح آیا قبلاً امتحان شده؟
 منزلتی داره؟ مذمتی در ارتباط با این روح صورت گرفته؟
 بنا به روایاتی که قبلاً توضیح دادیم و عوالم قبل، گفتیم
 بله! در عالم ذر و عالم ارواح، اینها امتحان شدن!
 بعضیها از امتحانها سر بلند بیرون اومدن و بعضیها نه!
 از امتحان مردود شدن، نمره‌ی قبولی نگرفتن به تعبیری!
 اینها دارای رتبه هستن، ولو این که از لحاظ درونی همه
 روح هستن، اما اینها چون امتحان شدن دارای رتبه
 هستن.

خداوند متعال در همون عوالم، تکلیف مشخص بود؛
 بالاخره چون امتحان شدن با اختیار هم راه خیر و شر رو
 انتخاب کردن، می‌تونه از همون عالم اینها رو بفرسته
 بهشت و جهنم؛ اما فرصتی دوباره داد! هم برای کسانی
 که از امتحان سر بلند بیرون اومدن، هم برای کسانی که
 شکست خوردن.

برای کسانی که شکست خوردن فرصت داد برای جبران!
 برای کسی که سر بلند بیرون اومده فرصت داد برای
 ارتقاء کمالات و ارتقاء درجه و مقامات! این به عنوان
 يك مقدمه. این ارواح دارای مراتبی هستن. حالا خداوند
 متعال به اقتضای نمرات و مراتبی که در عوالم قبل
 گرفتن، خداوند این رو بین این جنین‌ها تقسیم می‌کنه. مثلاً
 فرض کنید جنینی هست که در ارتباط با يك خانواده‌ای
 هستن که اهل علم و تقوا و ایمان سالم و والا؛ خب
 اون که در اون مراتب در جایگاهی قرار گرفته، اون رو
 قرار می‌ده به این صورت. حالا بعد ممکنه باز سؤالات
 دیگه‌ای به وجود بیاد، فعلاً کلیات رو بگیم. ممکنه بگه
 خب آقا نوح چی؟ پسر نوح چی؟! دیگه بالاتر از این که
 در ارتباط با نوح باشه و پسر نوح باشه؟! اون که اوضاعش
 اون طوری شد! از کفار بود و هلاک شد در ماجرای
 طوفان نوح! اون هم می‌رسیم بهش، کلیت رو فعلاً بگم.

پس خداوند با توجه به مقاماتی که این ارواح داشتن،
 اینها رو در بین زمین اومد تقسیم کرد؛ بنا به حکمت و
 مصلحت در زمانهای مختلف، در خانوادههای مختلف،
 اینها رو اومد تقسیم کرد؛ این در مورد طبیعت امر.
 اما می‌رسه به افرادی که نطفه‌ی ناپاک دارن! خب بالاخره
 نطفه بر می‌گرده به مسائل جسمانی، اما روح بعد از چهار
 ماهگی میاد تعلق پیدا می‌کنه. ببینید يك نکته‌ای رو
 من اینجا خدمت رفقا عرض بکنم: همین‌طور که روح
 در جسم اثر داره، جسم هم در روح اثر داره! مثلاً پیش
 اومده در ماه مبارك رمضان، چون انسان گرسنه هست،
 بدن ضعف داره، می‌بینه حال و حوصله‌ای هم نداره!
 روحش به هم ریخته هست! حال و حوصله گاهی اوقات
 می‌بینه نداره. البته اون جهت معنوی و تقدّسی که هست
 سر جای خودش! اما می‌بینه که گاهی وقت‌ها بی‌حوصله
 هست، گرسنه که می‌شه بی‌حوصله می‌شه.

بر عکسش هم هست! گاهی اوقات خسته‌ست، بدن
 کوفته‌ست، ولی يك خبر خوشی که بهش می‌رسد، می‌بیند
 اصلاً سر حال شد! سر حال شد و بدن انگار نیرو پیدا
 کرد! نشاط پیدا کرد!

روح و بدن، اثرات مستقیمی روی هم می‌ذارن، هر چند
 که روح تأثیرش رو بدن بیشتر هست چون روح کارهایش
 رو با جسد، با بدن انجام می‌ده.

بینید این نطفه، در ارتباط با چه مسئله‌ای بوده؟ نسبت به
 جسم بوده. اما اگر چنانچه روحی تعلق بگیرد به بدنی که
 به صورت حرام ممزوج شده و به وجود اومده، این اثرات
 منفی رو توی روح می‌ذاره؛ این يك چیز طبیعی هست.
 چه روحی به اون بدنی که نطفه‌ی ناپاک داره تعلق می‌گیره؟
 این‌گونه هست که اون روحی که در عوالم قبل، مرتبه‌ای رو
 کسب نکرده یا در پائین‌ترین منازل بوده و جایگاه‌ها بوده،
 در اون امتحانات مردود شده، حالا نسبت به این نطفه‌ی
 ناپاکی که هست تعلق می‌گیره؛ کما این که در ایجاد این
 نطفه‌ی ناپاک قطعاً پدر و مادر گناهکار هستن! مقصر هستن!

اما خب چرا اون روح خاص قرار گرفت؟ به چه صورت بود؟ یعنی از اول نوشته شده این باید تعلق بگیره به این؟! نه! این خودش اقتضای این تعلق به نطفه‌ی ناپاک رو قرار گرفته! لذا این از لحاظ جسمانی، جنین هست، این جنین زنازاده هست و روحی که عوالم قبل در امتحانات مردود شده جایگاه بدی داشته، تعلق می‌گیره نسبت به این بدن؛ این يك نکته! این روشن بشه این مسئله.

نکته‌ی دوم: آیا این بچه‌ای که به دنیا میاد ولد زنا هست، عمل نامشروع هست، این چه جوری هست؟! این یعنی فقط باید بد انجام بده؟ نه! این اختیار داره! یعنی اختیار این فرد با اختیار يك نفری که در نطفه‌ی پاك بوده هیچ فرقی نداره، هر دو مختار هستن! اختیار هم که مشخص هست، یعنی له أن يفعل له أن لا يفعل؛ فعلی رو انجام می‌ده فعلی رو ترك بکنه.

عقل داره؟! بله! عقل هم داره!

انبیاء مطالبشون روش تاثیر داره؟ می‌تونه تاثیر داشته باشه بله! خودش می‌تونه حق رو بیابه، با همین عقل می‌تونه حق رو بیابه! اتمام حجت در ارتباط با این فرد معنا داره. پس نکته‌ی دوم این‌که این مجبور نیست! یعنی این‌که این روح تعلق گرفته به این بدنی که زنازاده هست، نطفه‌ی ناپاک هست، به چه دلیل هست؟ به جبر هست، ولی لازمه‌ی این جبر رو در عوالم قبل، خودش به وجود آورده! این مسئله مشخص هست؛ پس این‌طوری گیر به خدا نمی‌تونن بدی که بگی خدا این کار رو کرده! خدا این کار کرده به اقتضای اون امتحاناتی که صورت گرفته! نکته‌ی دوم خب می‌گه که اگه بنا باشه جهنمی باشه چه کاری هست دوباره این رو بیاری این‌جا! از همون اول می‌فرستادی جهنم دیگه! نه! اختیار رو دوباره داده!

پس يك فردی که نطفه‌ی ناپاك داره می‌تواند راه حق رو پیدا بکنه! اما گفتیم که کسانی که طینت سجّین دارن ولو مخلوط به علّین باشه، یا کسانی که نطفه‌ی ناپاك دارن به تعبیری، این‌ها کشش‌شون به سمت شرور و بدی‌ها بیشتر هست. اما این کششی که بیشتر هست به این معنا نیست که مجبور باشن اون کار رو انجام بدن! در جلسه‌ی قبل گفتیم که خداوند، قبل از این‌که ما رو تو این دنیا بیاره طینتی داشته؛ طینت واحد علّین بوده، سجّین بوده، اون بحث رو مطرح کردیم و گفتیم خب چرا از اول جمعی رو سجّین قرار داد. سه وجهی رو بیان کردیم؛ گفتیم ممکنه که اون گل اون طینت رو آزمایش کرده باشه، امتحان کرده باشه، کسانی که در جهت حق باشن علّین بهشون داده باشه، کسانی که در جهت باطل باشن سجّین.

وجه دوم این که خداوند علم داره، علم بلا معلوم داره که
 غایت يك امر، کدوم بهتر، کدوم نادرست عمل می‌کنه.
 از اول طینت‌شون رو متغیر قرار داده.

وجه سوم این که خیر هست؛ بر کسانی که حتی طینت
 سجّین دادن، به خاطر این که بالاخره خداوند می‌دانه که
 عاقبت این جهنم هست، با اختیار خودش می‌ره جهنم،
 ولکن برای این که این طینت رو بده، زمینه به سمت
 شرور باشه زمینه بخواد باشه، با افرادی که زمینه‌ی شر
 ندارن متفاوت هست. این تخفیف عذاب برای این باشه؛
 این بحث رو مطرح کردیم.

این جا هم همون حرف جاری هست! همون قاعده جاری
 هست! یعنی خداوند متعال می‌تونه اون روح شرور رو،
 داخل يك بدنی قرار بده، اما وقتی که در نطفه‌ی نادرستی
 که این جنین به واسطه‌ی اون به وجود آمده تعلق پیدا
 بکنه، زمینه به سمت شرور بیشتر هست!

زمینه به سمت شرور بیشتر هست خب شرایط متفاوت هست. شرایط این که مشکل تره این براش به جهت بدی که حرکت بکنه تخفیف درجه هست. مثالی که می زنم خدمت رفقام: مثلاً فرض کنید يك نفری که چنین بدنی داره، چنین نطفه‌ی ناپاکی داره، این يك قدم به سمت خوبی بیاد تا اون که نطفه‌ی پاک داره يك قدم بیاد، اینها متفاوت هست! چون شرایط متفاوت هست! اون شاید ترفیع درجه براش در جهاتی داشته باشه، به خاطر این که خیلی مشکل هست يك قدم بخواد بیاد! اون فشاری که به خودش آورده يك قدم میاد، اگر اون فشار رو اون کسی که سالم بود نطفه‌ی سالم بود می داشت، سه قدم می اومد!

لذا خب شرایط چون متفاوت هست در این خصوص،
 اجرش هم متفاوت هست! یا فرض کنید که اون کسی
 که نطفه‌ی ناپاک داره، زمینه‌ی شر داره، بدی داره، خلاف
 توش بیشتر هست، خب این يك خلاف انجام می‌ده،
 اون کسی که نطفه‌ی پاک داره وقتی خلافی عین اون انجام
 می‌ده، اون رو براش سخت‌تر می‌گیرن! این‌طوری خیلی
 بی‌بند و باری کرده که تونسته تا اون مرتبه بره، این
 براش خیلی راحت بوده، کششش بیشتر بوده، اون اولی
 رو براش سخت‌تر می‌گیرن. لذا يك قاعده‌ی کلی در
 عدل الهی بدم: خدا به میزان امکاناتی که اعطاء می‌کنه
 مؤاخذه می‌کنه! یعنی اگه شما فرض کنید که خدا به
 پدر و مادری که شما دارید شما رو مؤاخذه می‌کنه، به
 تربیتی که شما شدین، وقتی که روی شما گذاشتن شما
 رو مؤاخذه می‌کنه! خب يك نفر شرایط مناسبی داشته،
 این مشکل‌تر مؤاخذه می‌شه! چون بالاخره توفیقاتی بوده در
 جهت کمال هم قرار گرفته.

يك نفر شرایط بدی داشته، پدر و مادر لاابالی، حالا
 يك قدم به سمت خوبی‌ها اومده، این برایش راحت‌تر
 می‌گیرن! یا گناهی که کرده باشه گناه این با این متفاوت
 هست! این پس يك قاعده‌ی کلی خدمت رفقا عرض
 کردم؛ این يك نکته. نکته‌ی دوم: ببینید نکته‌ی دوم
 این که لازمه‌ی يك نفر که جهنمی بشه این نیست که
 حتماً نطفه‌اش ناپاک باشه! این در اون عوالم قبل، نفسش
 درست عمل نکرده، این رو ممکن هست قرار بده در
 صلب يك نبی الهی! یعنی اون نطفه‌ای که در صلب
 نبی الهی هست وقتی انعقاد نطفه صورت می‌گیره، بعد
 اون روح که در امتحانات قبلی درست طی نکرده، اون
 رو اعطاء بکنه به اون جنینی که بالاخره در ارتباط با
 حجت الهی بوده؛ مثل پسر نوح! پسر نوح این‌طوری نبوده
 که مثلاً نطفه‌ی ناپاکی داشته باشه! نه! حلال‌زاده بوده.

وقتی که این کار رو انجام بده چند بحث هست؛ اول نطفه
 پاک هست، روح در عوالم قبل، خراب کاری کرده دوباره
 قرار می‌ده؛ شرایط مشکل‌تر اینه که چون پسر نبی الهی
 هست بیشتر به این اتمام حجت شده! خدا به این سخت‌تر
 می‌گیره! یعنی اگر پاش بخواد بلغزه، این رو سریع‌تر به حال
 خودش رها می‌کنه، تا يك نفری که در شرایط خاص باشه!
 چون اتمام حجت شده! پس این هم تکلیف در ارتباط با
 نبی الهی. حالا روی این بحثی که می‌خوایم بحث بکنیم
 این‌ها مقدمه بود. ببینید حلال‌زاده به سمت خوبی‌ها کشش
 بیشتری داره؛ حرام‌زاده به سمت خوبی‌ها کشش کم‌تری
 داره! کسانی که مظهر خوبی هستن یا مظهر بدی هستن،
 مظهر خوبی کی‌اند؟ انبیاء هستن؛ اون کسی که حرام‌زاده
 هست کشش کم‌تری نسبت به خوبی و مظهر خوبی داره
 و کشش بیشتری به سمت بدی و مظهر بدی داره. اون
 کسی که حلال‌زاده هست کشش بیشتری به سمت خوبی
 و مظهر خوبی، و اون کششی که باید به مانند اون حرام‌زاده
 به سمت بدی و مظهر بدی داشته باشه، نداره!